

در پی حادثهٔ دردناک آتش سوزی در بندر شهید رجایی بندرعباس، حضرت آیت الله خامنه‌ای در پیامی ضمن تسلیت به خانواده‌های مصیبت‌زده، مسئولان امنیتی و قضایی را موظف کردند که هرگونه سهل‌انگاری یا تعمّد در این حادثه را به‌طور کامل بررسی و کشف کرده و بر طبق مقررات پیگیری کنند.

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا الیه راجعون

حادثه دردناک آتش سوزی در بندر شهید رجایی موجب اندوه و نگرانی است. مسئولان امنیتی و قضایی موظفند با بررسی کامل، هرگونه

پیام رهبر انقلاب در پی حادثهٔ دردناک بندرعباس

دستور به مسئولان امنیتی، تشکر از مردم

محمد لسانی، پژوهشگر حوزه رسانه در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

حکمرانی رسانه‌ای ما نیازمند جراحی فوری است



خبرنگار گروه سیاست

علی ملکی

وقوع اتفاقی غیرمنتظره، همه ایران را در شوک فرو برده و بخش زیادی از مردم هرمزگان داغدار عزیزانشان هستند. رئیس سازمان مدیریت بحران کشور از مهار آتش در ضلع غربی، شمال و جنوب اسکله خیرداده نوید داده که آتش سوزی ضلع شرقی هم تا ساعات پایانی کشنبه کنترل می شود. شاید تا لحظه انتشار این مطلب، آتش از بندر رفته باشد اما بعید است که تنور فکینوزها و اخبار متناقض به همین زودی خاموش شود. از زمان وقوع حادثه، پایگاه‌ها و افراد مختلفی اقدام به اظهار نظر درباره رخ داده کرده‌اند. از بلاگرهای اینستاگرامی و فعالان رسانه‌ای گرفته تا مسئولان مختلف و نمایندگان مجلس. هر کدام خود را در قامت صاحب‌نظری می‌بینند که لازم است راجع به هر موضوعی در کشور اظهار فضل کنند. افکار عمومی هم در معرکه‌ای که اخبار رسمی به صورت قطره چکانی و ناهماهنگ مخابره می‌شود، ناچار است خود را به موج اخبار غیررسمی و متناقض بسپارد. فرایندی که هرچیزی را می‌توان در آن دید. برخی از کانال‌های خبری بدون هیچ‌ملا حظ‌ای تصاویر دلخراش پیکرهای آسیب‌دیده را منتشر می‌کنند بدون آنکه دلیل انتشار آن را از خود بپرسند. برخی دیگر که سمت مسئول دولتی یا نمایندگی مجلس شورای اسلامی را یدک می‌کشند، درباره موضوعی که هیچ اطلاع دقیقی از آن ندارند، اطلاعاتی می‌دهند که چندساعت بعد توسط مقامات مرجع، رد می‌شود. در این شرایط دو گروه شدیدترین آسیب را می‌بینند. اول، افکار عمومی که عملاً میان محتواهای ضد و نقیض سلاخی می‌شود و دوم، نظام رسانه‌ای که به تدریج اعتمادش میان مردم را از دست می‌دهد. محمد لسانی، پژوهشگر حوزه رسانه معتقد است شکی نداریم که در میدان هر کاری که می‌شده به بهترین وجه انجام شده اما این فعالیت میدانی به امنیت‌بخشی رسانه‌ای ختم نشده است. در ادامه متن کامل گفت‌وگوی «فرهیختگان» با وی را از نظر می‌گذارید.

■ ■ ■

■ **انفعال، باعث استیلای روایت رقیب می‌شود**

محمد لسانی معتقد است افکار عمومی مشخصاً سؤالاتی درباره انفجار روز گذشته دارد. او این سؤالات را در سه بخش تقسیم‌بندی کرده و توضیح داد: «یک، دلیل؛ دو، ابعاد مسئله، تلفات و خسارات؛ و سه، بحث کشش‌ها و اقداماتی که برای ترمیم، بازیابی و بازسازی توسط نیروهای لجستیکی و امدادی انجام شد. این سه‌سوال مطرح می‌شود که همیشه در بحران‌ها این سؤالات وجود دارد. پس اگر آمادگی از قبل وجود داشته باشد، آمادگی رسانه‌ای و آمادگی تیم مدیریت بحران باید بلدانند چگونه مواجه شوند. طبق اسناد مصوبی که در سازمان مدیریت بحران کشور در ۱۴۰۳ تصویب شده، وقتی حادثه‌ای در یک استان رخ بدهد، استاندار و مدیر سازمان مدیریت بحران سخنگوی می‌شوند. دیروز همین اتفاق افتاد و این افراد سخنگو بودند، اما حداقل هدایت جریان خبری را در دست نگرفتند. این مسئله خیلی مهم است. ما قانون داریم و قانون را هم اجرا می‌کنیم، اما قانون برای چه آمده؟ قانون برای این آمده که جایی مسئله‌ای را حل کرده و از چالش جلوگیری کند. دیروز این اتفاق نیفتاد؛ یعنی هدایت جریان خبری شکل نگرفت. ابعاد ما چرا به خاطر بزرگی آن حادثه و منطقه استراتژیکی که حادثه در آن اتفاق افتاد، اهمیت زیادت داشت. طبق گزارش‌ها، این بندر دومین بندر استراتژیک منطقه خاورمیانه بعد از بندری در امارات است، یعنی بندر شهید رجایی بندرعباس جایگاه دوم را در منطقه دارد. خب، این هدایت جریان خبری می‌تواند عللی داشته باشد. من قصد ورود به علل آن را ندارم، اما مهم این است که آیا

■ ■ ■

■ **اپوزیسیون و رویکرد همیشگی بهره‌برداری سیاسی از فاجعه**

درحالی‌که مردم ایران در سوگ قربانیان و حمایت از آسیب‌دیدگان متحد شده بودند، جریان اپوزیسیون خارج‌نشین و رسانه‌های وابسته مانند ایران اینترنشنال و منوتو رویکردی کاملاً تخریبی اتخاذ کردند. این رسانه‌ها به‌جای همدردی با قربانیان، به شایعه‌پراکنی، حاشیه‌سازی و بهره‌برداری سیاسی از حادثه پرداختند. ایران اینترنشنال با انتشار گزارش‌هایی جهت‌دار، سعی در مقصر جلوه‌دادن نهادهای نظامی و امنیتی ایران داشت و هم‌زمان این روایت را ترویج کرد که انفجار می‌تواند موضع ایران در مذاکرات بین‌المللی، از جمله مذاکرات هسته‌ای را تضعیف کند. منوتو نیز با انتشار محتوایی که به‌تسمخر بیشتر نزدیک بود تا خبر، به این موج تخریبی پیوست. یکی از جنجالی‌ترین واکنش‌ها در سوزی علی حسین قاضی‌زاده، از چهره‌های مرتبط با ایران اینترنشنال بود. او در پستی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «اسرائیلی‌ها می‌گویند

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به شرح زیر است:
بسم الله الرحمن الرحيم
انا لله و انا الیه راجعون
حادثه دردناک آتش سوزی در بندر شهید رجایی موجب اندوه و نگرانی است. مسئولان امنیتی و قضایی موظفند با بررسی کامل، هرگونه

سهل‌انگاری یا تعمّد را کشف و بر طبق مقررات پیگیری کنند. همه مسئولان باید خود را در پیشگیری از حوادث تلخ و خسارت‌بار موظف بدانند.

اینجانب رحمت و مغفرت الهی برای جان‌باختگان و صبر و سکیته برای خانواده‌های مصیبت زده آنان و شفای عاجل برای آسیب‌دیدگان

اینجا هم باز ما در کشورمان مشکلی داریم؛ همه رسانه‌ها دنبال دسترسی خاص و خبر خاص‌اند. برای همین، صحبت مسئولان رسمی را آن‌طور که باید، پرموت و توزیع نمی‌کنند. هر کسی دنبال این است که رسانه خودش را بالا بیاورد. برای همین این تشتت به جایی می‌رسد که حتی اگر مسئولی مشخص شده که حرفی را بز ند، آن حرف همه‌گیر نمی‌شود. افراد مختلف و رسانه‌های مختلف آن را منتشر نمی‌کنند که آن صحبت ضریب بگیرد و مرجع شود.»

■ **ابهام ازوقفه در خبررسانی درست می‌شود**

لسانی معتقد است که قسمت‌های مختلف پازل به‌هم ریخته مفقود است و برای همین تأکید می‌کند که داده‌ها باید تجميع شوند. او در این باره توضیح داد: «مسئولان عموماً مأموضعی که می‌گیرند محافظه‌کارانه و محتاطانه است. حتی در ساعت‌های اول از مواجهه با دوربین خودداری می‌کنند و به تأخیر می‌اندازند. اینجا زمینه ایجاد می‌شود برای رشد فکینوزها و اخبار جعلی. ما الگوریتم و فرمولی که برای خبر جعلی و دروغ و شایعه داریم، چیست؟ می‌گویند ابهام ضرب در اهمیت. ابهام از کجا ایجاد می‌شود؟ ابهام از اینجا شروع می‌شود که خبررسانی و اطلاع‌رسانی در آن وقفه ایجاد می‌شود. ابهام ضرب در اهمیت. اهمیت یعنی گستردگی حادثه؛ حالا تلفاتش، آتارش، پیامد‌هایش که ما شاهده آن هستیم. این فرمول دقیقاً بریز و اجرا شد؛ هم ابهام داشت، هم اهمیت داشت. برای همین رسانه‌ای به نام شبکه یک که اصلاً رسانه منافقین بود، خبری را منتشر کرد. خب، همه هم فکر می‌کنند شبکه یک مثلاً شبکه‌خبر است؛ مثل این رسانه در اینستاگرام است که یکی از این پیج‌های میلیونی موسیقی، اسمش را گذاشته «رادیو جوان» و خیلی‌ها ممکن است ذهنیت‌شان باشد که این رادیو جوان ربطی به آن رادیو جوان دارد. این هم اسمش را گذاشته شبکه یک. خبری را منتشر کرده که کسانی که مقدمه‌ات رسانه‌باشند، می‌فهمند این دروغ است.»

■ **مجاری رسمی چطور از اعتبار می‌افتند؟**

لسانی در ادامه «سرعت»، «دقت» و «هماهنگی» را به عنوان مؤلفه‌های لازم برای تشکیل پازل اطلاع‌رسانی در بحران دانسته و افزود: «سرعت یعنی در معرض قرار دادن و به پیش‌از رسانه رفتن توسط یک نفر سخنگو؛ دقت یعنی آن چیزی که می‌گوییم توسط دیگران نقض نشود، پس داده‌هایی که می‌دهیم باید داده‌های معتبر باشد؛ سوم، هماهنگی. این هماهنگی، هماهنگی بین رسانه‌ها و بین تیم است. خب، این تشتت چرا وجود دارد؟ چون در طول سال تمرین نمی‌شود، چون ضعف‌های ساختاری وجود دارد، به خاطر اینکه هر دفعه افراد با شگفتانه‌های عجیبی مواجه می‌شوند. هر حادثه ابعاد مختلفی دارد که اصلاً باز نشده‌اند. این شگفتانه‌ها هم یک امر جهانی است. من خودم در اتحادیه اروپا نگاه می‌کردم، مثلاً یک سندی داشتند به نام سند «سیف کامز» (SafeComms)، ارتباطات امنیتی. این سسندی است برای اطلاع‌رسانی حملات تروریستی؛ یعنی آماده‌است که اگر الان متحمل حمله‌ت تروریستی شود، این سند با این پروتکل‌ها مواجه می‌شود که این‌ها را می‌گویم، این‌ها را نمی‌گویم. یک آرایشی و یک آمادگی از قبل ایجاد می‌کند. من به نظر در این زمینه کمبود یا فقدان نیروی متخصص رسانه‌ای و تشتت مراجع، این دو راکتار هم بگذاریم؛ تشتت مراجع تصمیم‌گیر و کثرت مراجع تصمیم‌گیر، از طرف دیگر کمبود نیروی متخصص. اصلاً رسانه‌ای‌ها این طور دست‌روی دست گذاشته، آماده‌بشت در منتظرند که چه چیزی به ما بیگونی‌ند تا ناگویییم. متأسفانه اینجا آن حشرات‌های خبری در مسیر منافع عمومی قرار نمی‌گیرد. اصلاً حشرات ذبح می‌شود، خلایق ذبح می‌شود، می‌رسد به یک اخبار کلی بدون آمارها و سنجه‌ها و عملاً خرده‌اطلاعات کمک‌کننده. برای همین مجاری رسمی از اعتبار می‌افتند، چون مجاری رسمی چیزی دندان‌گیر نمی‌گویند.

■ **پروژه‌گیری علیه ملت**

رفتار اپوزیسیون و رسانه‌های وابسته مانند ایران اینترنشنال را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن منافع مالی و سیاسی آن‌ها تحلیل کرد. این رسانه‌ها که بودجه هنگفتی از دولت‌های خارجی دریافت می‌کنند، در راستای سیاست‌های جاسان مالی خود عمل می‌کنند. ایران اینترنشنال، به‌عنوان نمونه با انتشار روایت‌های منفی و جهت‌دار از ایران، سعی

این حادثه تلخ را مسنلت می‌کنم و از مردمان پر گذشته‌ی که در لحظه نیاز آماده خون دادن به مصدومان شدند؛ صمیمانه تشکر می‌کنم.
والسلام علیکم ورحمةالله
سیدعلی خامنه‌ای
۷ اردیبهشت ۱۴۰۴

وقتی چیز دندان‌گیری نمی‌گویند، مجاری دیگر تقویت می‌شوند و افکار عمومی به سمت این مجاری می‌رود.»

■ **فعالیت میدانی خوب**

باید با اطمینان بخشی رسانه‌ای همراه شود

این پژوهشگر حوزهٔ رسانه معتقد است رسانه باید کارهایی را پیش از بحران بکند، کارهایی را حین بحران و کارهایی را بعد از بحران. او در این باره تصریح کرد: «مثلاً بعد از بحران امید می‌دهند، یک فضای اثر میم ایجاد می‌کنند. بعد از بحران می‌روند به سمت اینکه تحلیل بکنند و فضای یادگیری ایجاد کنند. اما حین بحران باید چه کار کرد؟ رسانه در بحران چه وظیفه اصلی‌ای دارد؟ یک؛ خبررسانی یعنی ارائه اطلاعات معتبر. دو؛ امنیت‌بخشی یعنی نسبت به اینکه تیم‌های مختلف اعزام شده‌اند، چند تیم به صورت مشخص آرایش مواجهه و مقابله را بیان کند و افکار عمومی که هراس از گسترده شدن فاجعه دارد را سادگذاری کند و مانع از تشدید فاجعه شود. این می‌شود وظیفه امنیت‌بخشی رسانه. رسانه صرفاً نمی‌تواند حرف روی هوا بزند؛ قسمتش باید مبتنی بر آمارها و اخبار دقیقی باشد که مسئولان میدانی می‌دهند. من می‌خواهم تأکید بکنم بین مسئول میدان و مسئول رسانه باید ارتباط موق و رفت‌وبرگشت زیاد و دقیقی باشد. چیزی که مردم می‌بینم جدا افتادگی است؛ یعنی مسئول میدان که گفته ما چرا دار فعالیت می‌کنند، به رسانه می‌گوید حالا تو برو. مسئله من این است؛ یعنی باید این‌ها جمع بشوند. این جدا افتادگی خودش را نشان می‌دهد. کسی شکی ندارد که در میدان هر کاری که می‌شده به بهترین وجه انجام شده. ما شکی نداریم، اما این فعالیت میدانی به اطمینان‌بخشی و امنیت‌بخشی رسانه‌ای ختم نشده. وسومین چیزی که رسانه باید بدهد در بحران، همدلی و همبستگی است؛ یعنی بتواند نشان بدهد که ما همه با هم در کنار مردم آنجا، در کنار امدادگران، در کنار خانواده قربانیان و مجروحان هستیم. این همدلی و همبستگی، قسمتی از آن را اخبار مربوط به امدادی خون‌بود و جودداشت.»

■ **نیروی پختهٔ رسانه‌ای در میدان نداریم**

لسانی در بخش پایانی گفت‌وگو به پروتکل‌های رسانه‌ای پرداخته و توضیح داد: «ما هنوز داریم تمرین می‌کنیم. هنوز پروتکل‌ها استخوان‌دار و پخته و قوی نشده‌اند. حتی اگر پروتکل‌ها به‌معنای اسس‌اندازدهای رفتاری وجود داشته باشد، ما نیروهای پخته رسانه‌ای در میدان نداریم که آن پروتکل را بتوانند به خوبی اجرا بکنند. چهار چیز در کنار هم موفقیت در بحران را شکل می‌دهد: ۱. پروتکل و استاندارد رفتاری – گفتاری. ۲. نیروی رسانه‌ای پخته، ۳. رسانه‌دارای بُردِ پیام‌زاد، و مؤثر و قوی، ۴. مردمی که نسبت به آن رسانه اعتماد دارند و آن را مصرف می‌کنند و حرف رسانه‌ای را که رسانه بحران است، می‌پذیرند و در جهت آن پیام عمل می‌کنند. ما وقتی همه این‌ها را در کنار هم می‌گذاریم، می‌گوییم بله، هدایت رفتاری در بحران شکل می‌گیرد؛ هدایت رفتار مردم که مردم رفتار هیجانی نکنند. خوب آیا این چهار تا هست؟ یک؛ پروتکلش می‌گویند هست؛ ۱۴۰۳ اردیبهشت می‌گویند پروتکل آمده. دو؛ آیا نیروی نخبه رسانه‌ای بوده؟ سه؛ اصلاً رسانه‌ای که این را پیش بکند و شنیده‌شود چقدر در پیام‌دار؟ چهار؛ حالا پیام به مردم رسید، مردم چقدر آلا باور می‌کنند، همدلی می‌کنند؟ این‌ها کنار هم آن رسانه بحران را شکل می‌دهد. به نظر من ما در ابتدای راهیم. ما هر دفعه داریم تجربه می‌کنیم. کشنگری‌مان از ابعاد مختلف باید تقویت بشود؛ یک بُعدش بُعد حقوقی است؛ قوه قضاییه باید نسبت به کسانی که اخبار دروغ و فیک نیز را تولید یا منتشر می‌کنند مواجهه داشته باشد. یک قسمت بر می‌گردد به دستگاهی که باید عملاً کار ایجابی بکنند، یک قسمت هم بر می‌گردد به دستگاهی که باید کار سلبی بکند. به نظر من این چرخه هنوز در مرحله ابلاغ است. باید جلوتر برویم تا‌ها شال‌الملی‌توانیم یکمیلش بکنیم.»

■ **خون ایران دررگ‌های بندر**

بلافاصله پس از انفجار، عملیات امداد و نجات با سرعت آغاز شد. هوپامی ایلوشین نیروی هوافضای سپاهری‌امهار آتش‌سوزی به‌کار گرفته شد و آمبولانس‌ها، هلیکوپترها و اتوبوس‌های امدادی از سراسر کشور به بندرعباس اعزام شدند. طبق آمار رسمی، از ۷۵۰ مصدوم این حادثه، ۳۵۷ نفر همچنان در بیمارستان‌ها بستری هستند که حال ۲۱ نفر از آن‌ها وخیم گزارش شده است. خسارات مادی به زیرساخت‌های بندر و مناطق اطراف نیز قابل توجه بوده و عملیات بندری به‌طور موقت متوقف شده تا تمرکز بر امداد رسانی و اطفای حریق باشد. اما آنچه در این میان بیش از همه خودنمایی کرد، واکنش سریع و همدلانه مردم ایران بود. تنها ساعاتی پس از انفجار، صف‌های طولانی برای اهدای خون در بندرعباس و دیگر شهرهای اعلا شده در مراکز سازمان انتقال خون شکل گرفت. این صحنه‌ها یادآور همبستگی مردم دیگر فجانع ملی مانند زلزله بم، زلزله سردیل زهاب یا سیل‌های سال ۱۳۹۸ است. با وجود مشکلات اقتصادی و چالش‌های اجتماعی، مردم ایران بار دیگر نشان دادند در لحظات بحرانی، قلبشان برای هموطنانشان می‌تپد. شخصیت‌های برجسته فرهنگی، ورزشی و سیاسی نیز با انتشار پیام‌های تسلیت و ابراز همدردی، به این موج پیوستند. این واکنش‌ها تصویری از ایران به‌عنوان جامعه‌ای متحد و مقاوم در برابر بحران ارائه می‌دهد؛ تصویری که جریان اپوزیسیون یا توان درک آن را ندارد یا ترجیح می‌دهد، نادیده‌اش بگیرد.